

بررسی جزایی مولفه های امنیت ملی در نظام حقوقی ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۲/۰۳)

روح الله شیرزادی

چکیده

امنیت ملی در نظام حقوقی ایران مفهومی چندبعدی است که همزمان بر حفاظت از استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت، نظم عمومی، آرامش اجتماعی، انسجام سیاسی و ظرفیت های دفاعی و اطلاعاتی دلالت دارد. از منظر حقوق کیفری، مسئله اصلی نه صرفا تعریف امنیت ملی، بلکه نحوه تبدیل مولفه های آن به حمایت کیفری، حدود و ثغور جرم انگاری، معیارهای تشخیص تهدید، و نسبت میان امنیت با حقوق و آزادی های بنیادین است. این مقاله با رویکرد تحلیلی و توصیفی و با اتکا به روش تحقیق کتابخانه ای، در پی آن است که نشان دهد سیاست جنایی ایران چگونه مجموعه ای از رفتارها را ذیل عناوینی چون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، افشای اسرار، جاسوسی، اجتماع و تبانی، تبلیغ علیه نظام، تشکیل گروه های غیرقانونی، اخلال در نظم عمومی و نیز تهدیدات نوپدید مانند جرایم سایبری صورت بندی کرده است. یافته اصلی مقاله آن است که نظام جرم انگاری امنیت ملی در ایران دارای گستره وسیع و بعضا مفاهیم کشسان است و این امر در کنار ضرورت تامین امنیت، خطر تداخل با حوزه آزادی بیان و فعالیت مدنی را نیز افزایش می دهد. از سوی دیگر، تشتت منابع کیفری، تعدد قوانین خاص و پراکندگی صلاحیت ها، موجب ابهام در مرزهای امنیت ملی و دشواری پیش بینی پذیری برای شهروندان و حتی مجریان می شود. مقاله ضمن طبقه بندی مولفه های امنیت ملی و تطبیق آنها با مهم ترین عنوان های کیفری، چالش های هنجاری و اجرایی را بررسی کرده و در پایان پیشنهادهایی برای افزایش شفافیت، تناسب، و کارآمدی سیاست کیفری امنیت ملی ارائه می دهد.

واژگان کلیدی: امنیت ملی، جرایم علیه امنیت، سیاست جنایی، اصل قانونی بودن، تناسب

جرم و مجازات، امنیت سایبری



مقدمه

امنیت ملی از جمله مفاهیمی است که هم در ادبیات سیاسی و روابط بین الملل و هم در حقوق عمومی و حقوق کیفری، حضوری پررنگ و تعیین کننده دارد. در سطح دولت ها، امنیت ملی به مثابه ارزش بنیادین، شرط امکان حکمرانی، توسعه، و تداوم نظم سیاسی تلقی می شود. در سطح حقوقی، امنیت ملی هم یک هدف است و هم یک معیار توجیهی برای وضع محدودیت ها، تنظیم صلاحیت ها و طراحی سازوکارهای پیشگیری و پاسخ کیفری. در ایران نیز امنیت ملی در نقطه تلاقی چند حوزه قرار می گیرد: از یک سو نظام حقوق اساسی با تاکید بر استقلال، تمامیت ارضی و نفی سلطه، چارچوب ارزش شناختی امنیت را شکل می دهد و از سوی دیگر قوانین کیفری با جرم انگاری رفتارهایی که امنیت داخلی و خارجی را تهدید می کنند، ضمانت اجرای سخت را فراهم می آورند.

با وجود این، امنیت ملی در مقام مفهوم حقوقی با دو دشواری دائمی مواجه است. دشواری نخست، مرزبندی است. امنیت ملی گاهی به عنوان مفهومی فراگیر به کار می رود که می تواند طیف وسیعی از پدیده ها را دربرگیرد و همین فراگیری، خطر کشسانی مفهومی و توسعه بی ضابطه جرم انگاری را به همراه دارد. دشواری دوم، نسبت سنجی است. هر نظام حقوقی ناگزیر است میان ضرورت تامین امنیت و ضرورت پاسداشت حقوق و آزادی های شهروندان توازن ایجاد کند. در حقوق کیفری، این توازن از طریق اصولی مانند قانونی بودن جرایم و مجازات ها، تفسیر مضیق، شخصی بودن مسئولیت کیفری، ضرورت و تناسب مجازات، و تضمین دادرسی عادلانه پیگیری می شود. بنابراین مطالعه جزایی امنیت ملی، مطالعه یک میدان تنش آلود است که در آن کارآمدی امنیتی و مشروعیت حقوقی باید همزمان تامین شود. این



پژوهش با تمرکز بر نظام حقوقی ایران و با هدف «بررسی جزایی مولفه های امنیت ملی»، تلاش می کند ابتدا مولفه ها را به صورت قابل تحلیل طبقه بندی کند و سپس نشان دهد هر مولفه در کدام عنوان ها و سازوکارهای کیفری بازتاب یافته است. در ادامه چالش های مفهومی و اجرایی و پیامدهای سیاست کیفری موجود تحلیل می شود تا در نهایت پیشنهادهایی برای بهبود شفافیت و کارآمدی ارائه گردد.

بخش اول: چارچوب مفهومی و نظری امنیت ملی

امنیت ملی در ساده ترین بیان، وضعیتی است که در آن موجودیت سیاسی یک کشور از تهدیدهای جدی مصون یا قادر به مدیریت آنها باشد. با این حال، در تحلیل دقیق تر، امنیت ملی فقط به معنای نبود تهدید نیست، بلکه شامل توانایی پیش بینی، پیشگیری، بازدارندگی و پاسخ دهی نیز می شود. امنیت ملی با امنیت عمومی و نظم عمومی همپوشانی دارد اما یکسان نیست. امنیت عمومی بیشتر بر آرامش و ایمنی روزمره مردم و کنترل جرایم متعارف در جامعه دلالت می کند، در حالی که امنیت ملی ناظر به تهدیدهایی است که ماهیت کلان دارند و می توانند بنیادهای حاکمیت، استقلال، تمامیت ارضی، نظام سیاسی یا ظرفیت های حیاتی کشور را هدف قرار دهند. نظم عمومی نیز مفهومی حقوقی و اجتماعی است که بر قواعد حداقلی لازم برای زیست جمعی و حفظ آرامش تاکید دارد و ممکن است در مواردی، اخلال در نظم عمومی مقدمه یا نمود بیرونی تهدید امنیت ملی تلقی شود. در ادبیات حقوقی، امنیت ملی گاه به عنوان «مصلحت عالیه» معرفی می شود. این بیان اگرچه نقش محوری امنیت را نشان می دهد، اما برای حقوق کیفری کافی نیست؛ زیرا حقوق کیفری به تعریف روشن رفتار مجرمانه



نیاز دارد. از همین رو در بررسی جزایی، امنیت ملی باید به مولفه‌های قابل شناسایی تجزیه شود تا جرم انگاری، متکی به معیارهای عینی و قابل سنجش گردد.

۱- مولفه‌های امنیت ملی در نگاه تحلیلی

برای مطالعه جزایی، می‌توان مولفه‌های امنیت ملی را در چند محور اصلی دسته‌بندی کرد:

محور نخست مولفه‌های سرزمینی و حاکمیتی است، شامل تمامیت ارضی، استقلال سیاسی، حاکمیت ملی، و ممنوعیت تجزیه یا سلطه بیگانه. محور دوم مولفه‌های سیاسی و نهادی است، شامل ثبات نهادهای اساسی، امنیت تصمیم‌گیری و فرآیندهای حکمرانی، و جلوگیری از نفوذ سازمان یافته در ساختار قدرت. محور سوم مولفه‌های دفاعی و اطلاعاتی است، شامل حفاظت از اسرار و اسناد طبقه‌بندی شده، مقابله با جاسوسی و خرابکاری، و حفظ توان بازدارندگی.

محور چهارم مولفه‌های اجتماعی و انتظامی است، شامل امنیت داخلی، کنترل آشوب، مقابله با خشونت سازمان یافته و تروریسم، و تامین نظم عمومی در سطحی که تهدید به امنیت ملی تبدیل نشود. محور پنجم مولفه‌های اقتصادی و زیرساختی است، شامل امنیت انرژی، امنیت مالی، امنیت تامین کالاهای حیاتی و زیرساخت‌های کلیدی. محور ششم مولفه‌های نوپدید مانند امنیت سایبری و امنیت داده‌هاست که در دهه‌های اخیر به سرعت به بخشی از امنیت ملی تبدیل شده است.

۲- امنیت ملی و اصول محدودکننده حقوق کیفری

حقوق کیفری، به عنوان سخت‌ترین ابزار دولت، باید به صورت حداقلی و ضروری به کار رود. در جرایم مرتبط با امنیت ملی، وسوسه توسعه قلمرو کیفری بیشتر است؛ زیرا تهدیدهای



امنیتی می توانند پیامدهای گسترده داشته باشند. با این وجود، اصول حقوق کیفری همچنان معیار مشروعیت هستند. اصل قانونی بودن اقتضا می کند عنوان مجرمانه و عناصر آن روشن و قابل پیش بینی باشد. تفسیر مضیق و به نفع متهم مانع آن است که مفاهیم کلی به شکل نامحدود گسترش یابد. اصل تناسب نیز الزام می کند که شدت مجازات با درجه خطر رفتار متناسب باشد و تمایز میان کنش های خشونت آمیز، سازمان یافته و دارای قصد براندازانه با کنش های انتقادی یا اعتراض مدنی رعایت شود. در نهایت، تضمین های دادرسی عادلانه به ویژه در پرونده های امنیتی باید تقویت شود، زیرا تبعات اجتماعی و سیاسی این پرونده ها سنگین و غیرقابل جبران است.

بخش دوم: بیان مسئله و اهمیت پژوهش

۱- مسئله اصلی و پرسش های تحقیق

مسئله اصلی این پژوهش آن است که «نظام حقوقی ایران چگونه مولفه های امنیت ملی را به حمایت کیفری تبدیل کرده و این حمایت کیفری از حیث شفافیت، تناسب و کارآمدی چه وضعیتی دارد». از دل این مسئله، چند پرسش اساسی استخراج می شود:

پرسش نخست این است که کدام مولفه های امنیت ملی در قوانین کیفری ایران برجسته شده و چه رابطه ای میان آنها و عنوان های مجرمانه وجود دارد.

پرسش دوم به کیفیت جرم انگاری مربوط می شود؛ آیا تعاریف قانونی از جرایم امنیتی به اندازه کافی روشن است و مرز آنها با جرایم سیاسی، مطبوعاتی و جرایم علیه نظم عمومی مشخص شده است یا خیر.



پرسش سوم درباره سیاست کیفری است. آیا نظام مجازات‌ها و سازوکارهای پیشگیری و تعقیب، متناسب با تنوع تهدیدها طراحی شده یا رویکردی یکنواخت و سخت‌گیرانه بر آن حاکم است.

پرسش چهارم، نسبت امنیت ملی با حقوق و آزادی‌های بنیادین است. آیا تضمین‌های حقوقی لازم برای جلوگیری از سوء استفاده یا تفسیر موسع فراهم شده است.

۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت این پژوهش از چند جهت قابل بیان است. نخست، جرایم امنیتی به دلیل ماهیت خود، حساسیت اجتماعی و سیاسی دارند و تصمیم‌های قضایی در این حوزه نه تنها بر سرنوشت متهم، بلکه بر اعتماد عمومی به عدالت کیفری اثر می‌گذارد. دوم، گستره تهدیدهای امنیتی در سال‌های اخیر تغییر کرده و حوزه‌های نوپدید مانند فضای مجازی، جنگ اطلاعاتی، حملات سایبری و عملیات نفوذ شناختی، مرز میان امنیت داخلی و خارجی را پیچیده‌تر ساخته است. سوم، تعدد قوانین خاص و پراکندگی مقررات، نیاز به یک نگاه نظام‌مند را افزایش داده است تا هم نقاط قوت و هم چالش‌ها روشن شود. چهارم، از منظر حقوق اساسی، امنیت ملی هرچند مهم است اما نباید به مفهومی بی حد تبدیل شود که بتوان با آن هر نوع نقد یا فعالیت مدنی را محدود کرد. بنابراین بررسی جزایی مولفه‌های امنیت ملی، نقش کلیدی در ایجاد تعادل میان کارآمدی امنیتی و مشروعیت حقوقی دارد.



بخش سوم: تجلی مولفه های امنیت ملی در جرم انگاری های ایران

۱- مولفه سرزمینی و حاکمیتی و جرایم مرتبط

تمامیت ارضی و استقلال، از بنیادی ترین مولفه های امنیت ملی در ایران است. جرم انگاری های مرتبط با این مولفه معمولاً حول محور مقابله با تجزیه طلبی، همکاری با دولت های متخاصم، اقدام علیه امنیت خارجی و رفتارهایی که به تضعیف حاکمیت ملی می انجامد شکل گرفته است. در سیاست کیفری، هرگاه رفتار به نوعی با دشمن خارجی، گروه های مسلح یا سازمان های متخاصم پیوند بخورد، شدت واکنش کیفری افزایش می یابد. این منطق از منظر امنیتی قابل فهم است، زیرا تجربه تاریخی بسیاری از کشورها نشان داده است که تهدیدهای خارجی می توانند از طریق شبکه های داخلی تقویت شوند.

با این حال چالش اصلی در این حوزه، تعریف دقیق «اقدام علیه امنیت» و «همکاری موثر با دشمن» است. هرچه قانون در بیان عناصر مادی و معنوی دقیق تر باشد، احتمال تفسیر موسع کاهش می یابد. در غیر این صورت، ممکن است رفتارهایی که در حد اظهار نظر یا تماس غیر مؤثر بوده اند در کنار رفتارهای سازمان یافته و هدفمند قرار گیرند و نتیجه آن بی تناسبی در پاسخ کیفری باشد.

۲- مولفه سیاسی و نهادی و مسئله ثبات نظم سیاسی

ثبات نهادهای اساسی و امنیت تصمیم گیری حکمرانی، در بسیاری از نظام های حقوقی ذیل امنیت ملی قرار می گیرد. در حقوق کیفری ایران نیز برخی عناوین به گونه ای طراحی شده اند که از ساختار سیاسی و کارکرد نهادهای حاکمیتی در برابر تهدیدهای سازمان یافته حفاظت



کنند. عناوینی مانند اجتماع و تبانی علیه امنیت، تشکیل یا اداره گروه‌ها با اهداف مجرمانه امنیتی، و برخی مصادیق تبلیغاتی، از این جهت قابل تحلیل است که قصد دارند شبکه‌سازی برای بی‌ثبات‌سازی را هدف قرار دهند. در اینجا نیز مسئله مرزبندی اهمیت اساسی دارد. نظام حقوقی باید میان «اعتراض سیاسی» و «توطئه سازمان یافته برای برهم زدن امنیت» تفاوت بگذارد. اگر مرز روشن نباشد، حوزه امنیت ملی می‌تواند به قلمرویی تبدیل شود که هر نوع کنش سیاسی منتقدانه را در خود حل می‌کند. نقطه مطلوب آن است که عنصر قصد مجرمانه، سازمان یافتگی، ارتباط موثر با طرح برهم زنده امنیت و وجود خطر بالفعل یا قریب الوقوع، نقش تعیین‌کننده داشته باشد.

۳- مولفه دفاعی و اطلاعاتی و جرایم مرتبط با اسرار و جاسوسی

یکی از روشن‌ترین حوزه‌های پیوند امنیت ملی و حقوق کیفری، حفاظت از اطلاعات طبقه‌بندی شده و مقابله با جاسوسی و افشای اسرار است. در ساختار امنیتی، اطلاعات می‌تواند به اندازه توان نظامی اهمیت داشته باشد. بنابراین جرم‌انگاری‌هایی که افشای اسناد محرمانه، انتقال اطلاعات به بیگانه، دسترسی غیرمجاز به داده‌های حساس و همکاری اطلاعاتی با دشمن را منع می‌کند، مستقیماً در خدمت امنیت ملی قرار می‌گیرد. با وجود اهمیت این حوزه، چالش‌های مهمی وجود دارد. نخست، تعریف «اسرار» و «اسناد طبقه‌بندی شده» است. اگر معیار طبقه‌بندی روشن نباشد یا صرفاً بر اساس تصمیم اداری بدون معیارهای کنترل‌پذیر صورت گیرد، دامنه جرم‌انگاری می‌تواند گسترده و مبهم شود. دوم، تمایز میان افشاگری عمومی با انگیزه خیر عمومی و افشای آسیب‌زننده به امنیت ملی است. هرچند در نظام‌های حقوقی مختلف رویکردها متفاوت است، اما از منظر اصول حقوق کیفری، باید عنصر «خطر



واقعی» برای امنیت ملی و نیز قصد یا علم مرتکب نسبت به این خطر در تحلیل مسئولیت کیفری موثر باشد. سوم، تحول فناوری است؛ امروز جاسوسی و دسترسی به اطلاعات محرمانه می تواند بدون حضور فیزیکی و با ابزارهای سایبری رخ دهد، بنابراین قوانین کیفری باید علاوه بر عناوین سنتی، به سازوکارهای نوین دسترسی و انتقال اطلاعات نیز توجه کند.

۴- مولفه اجتماعی و انتظامی و پیوند آن با نظم عمومی

امنیت ملی تنها در سطح کلان سیاسی و اطلاعاتی معنا ندارد؛ گاه ناآرامی گسترده، خشونت جمعی، آشوب سازمان یافته، تخریب زیرساخت های عمومی یا عملیات تروریستی می تواند امنیت ملی را به طور مستقیم تهدید کند. در این حوزه، جرایم علیه نظم عمومی، در شرایط خاص می توانند ابعاد امنیت ملی پیدا کنند. سیاست کیفری ایران برای مقابله با خشونت سازمان یافته، ایجاد رعب، تخریب گسترده و اخلال جدی در امنیت عمومی، عناوین مختلفی را پیش بینی کرده است. نکته مهم آن است که نباید هر «اختلال» یا «تجمع» به خودی خود امنیتی تلقی شود. در غیر این صورت، امنیت ملی جایگزین معیارهای دقیق نظم عمومی خواهد شد. نقطه تمایز زمانی پدیده می آید که رفتار دارای سازمان یافتگی، خشونت، هدف گذاری علیه ساختارهای حیاتی یا پیوند روشن با برنامه بی ثبات سازی باشد. در این صورت، توجیه امنیتی برای واکنش کیفری شدیدتر منطقی تر می شود. اما در نبود این شرایط، پاسخ کیفری باید در چارچوب جرایم عمومی و با رعایت اصل تناسب و حقوق بنیادین تنظیم گردد.



۵- مولفه اقتصادی و زیرساختی و جرم انگاری های مرتبط

امروزه امنیت ملی بدون امنیت اقتصادی قابل تصور نیست. وابستگی کشورها به زیرساخت های انرژی، شبکه بانکی، زنجیره تامین و بازارهای حساس سبب شده است که اخلال عمدی و گسترده در این حوزه ها گاهی به عنوان تهدید امنیت ملی تحلیل شود. در حقوق ایران نیز عناوینی مانند اخلال در نظام اقتصادی، قاچاق سازمان یافته در مقیاس های خاص، پولشویی و جرایمی که می توانند بنیان های مالی و اقتصادی را تضعیف کنند، در منظومه امنیت ملی جای می گیرند. در این حوزه باید با دقت میان «جرم اقتصادی» و «تهدید امنیت ملی» تفکیک کرد. همه جرایم اقتصادی، امنیت ملی را تهدید نمی کنند. تهدید امنیت ملی زمانی رخ می دهد که جرم اقتصادی دارای گستره و اثرگذاری کلان، سازمان یافتگی، یا پیوند با برنامه تخریب ظرفیت های حیاتی باشد. از منظر سیاست جنایی، ترکیب رویکردهای غیرکیفری مانند شفافیت مالی، نظارت کارآمد، اصلاح ساختارهای فسادزا و کاهش فرصت های جرم، در کنار واکنش کیفری هدفمند، موثرتر از توسعه بی قاعده جرم انگاری است. همچنین شدت مجازات ها باید با نقش واقعی مرتکب، میزان خسارت، و درجه سازمان یافتگی هماهنگ باشد تا عدالت کیفری حفظ شود.

۶- مولفه امنیت سایبری و جرایم رایانه ای به عنوان تهدید نوپدید امنیت ملی

امنیت سایبری در سال های اخیر به یکی از حساس ترین مولفه های امنیت ملی تبدیل شده است. حمله به زیرساخت های حیاتی، نفوذ به سامانه های دولتی، سرقت داده های طبقه بندی شده، اختلال در شبکه های بانکی یا انرژی، و عملیات اطلاعاتی در فضای مجازی می تواند پیامدهایی همسنگ با تهدیدهای سنتی داشته باشد. حقوق کیفری ایران از طریق جرم انگاری



دسترسی غیرمجاز، شnod غیرمجاز، تخریب و اخلال در داده ها و سامانه ها، و نیز جرم انگاری های مرتبط با افشای داده های حساس، به این حوزه واکنش نشان داده است. چالش های این حوزه بیشتر از جنس سرعت تحول فناوری و دشواری انتساب است. بسیاری از حملات سایبری فراملی هستند و مرتکب می تواند در خارج از مرزها باشد. بنابراین کارآمدی عدالت کیفری وابسته به همکاری های قضایی بین المللی، توان فنی پلیس و نهادهای تخصصی، قواعد ادله دیجیتال است. از سوی دیگر، در برخورد با محتوای آنلاین و فعالیت های ارتباطی، خطر خلط میان تهدید امنیت ملی با آزادی بیان و حریم خصوصی وجود دارد. راهکار حقوقی، تعریف دقیق رفتارهای مجرمانه، تفکیک روشن میان «نقد و بیان» با «عملیات مجرمانه»، و تقویت نظارت قضایی بر اقدامات تفتیش و شنود و جمع آوری داده هاست.

بخش چهارم: چالش های حقوقی و اجرایی در جرم انگاری امنیت ملی

یکی از چالش های اساسی در حوزه امنیت ملی، استفاده از مفاهیم کلی است که ظرفیت تفسیر گسترده دارند. هرگاه قانون از واژه هایی مانند اقدام علیه امنیت، تبلیغ علیه، تبانی، یا همکاری با دشمن بدون تعیین شاخص های عینی استفاده کند، احتمال تفاوت برداشت میان دادرها و دادگاه ها افزایش می یابد. این وضعیت با اصل قانونی بودن و پیش بینی پذیری در تعارض قرار می گیرد و می تواند اعتماد عمومی به عدالت کیفری را کاهش دهد. روشن بودن عنصر مادی رفتار، تعیین معیارهای قصد مجرمانه، و تاکید بر خطر واقعی یا قریب الوقوع برای امنیت ملی، می تواند تا حدی از این مشکل بکاهد.



۱- تداخل میان جرایم امنیتی با جرایم سیاسی و مطبوعاتی

تفکیک میان جرم سیاسی و جرم امنیتی در بسیاری از کشورها چالش برانگیز است و در ایران نیز این مسئله اهمیت ویژه دارد. هنگامی که رفتارهای مرتبط با نقد سیاسی، رسانه، فعالیت حزبی یا تجمعات مدنی، ذیل عنوان های امنیتی قرار گیرد، پیامدهای خاصی مانند تغییر صلاحیت، تغییر رویکرد در تفسیر، و تشدید پیامدهای اجتماعی ایجاد می شود. در حالی که جرم سیاسی و مطبوعاتی در اصل باید با ملاحظات حمایتی بیشتری نسبت به آزادی بیان و مشارکت سیاسی همراه باشد. راه حل حقوقی، شفاف سازی مرزها، تاکید بر خشونت، سازمان یافتگی، پیوند خارجی موثر و خطر عینی برای امنیت ملی به عنوان معیارهای امنیتی شدن، و همچنین اجرای دقیق مقررات ویژه جرم سیاسی در مواردی است که ماهیت رفتار اساساً سیاسی است نه امنیتی.

۲- تناسب مجازات ها و ضرورت طبقه بندی تهدیدها

در حوزه امنیت ملی، گرایش به تشدید مجازات ها زیاد است. اما تشدید مجازات اگر بدون طبقه بندی دقیق تهدیدها انجام شود، می تواند به بی عدالتی منجر گردد. رفتارهایی مانند افشای اطلاعات طبقه بندی شده، جاسوسی، تروریسم و خرابکاری، از حیث شدت خطر با رفتارهایی مانند اظهار نظر یا فعالیت های غیرخشونت آمیز تفاوت ماهوی دارند. سیاست کیفری کارآمد باید میان سطوح مختلف تهدید تمایز بگذارد و برای هر سطح، پاسخ متناسب پیش بینی کند. همچنین، ابزارهای غیرکیفری مانند اقدامات پیشگیرانه، آموزش امنیت اطلاعات، تقویت حفاظت فنی و اداری و سازوکارهای نظارتی، در بسیاری موارد موثرتر و کم هزینه تر از واکنش کیفری پسینی است.



۳- چالش های دادرسی و تضمین های حقوق دفاع

پرونده های امنیتی به دلیل ماهیت محرمانه برخی اطلاعات، پیچیدگی ادله و حساسیت های اجتماعی، نیازمند دقت مضاعف در تضمین های دادرسی عادلانه هستند. حق دسترسی موثر به وکیل، امکان بررسی ادله و مواجهه با آنها، رعایت اصل برائت و منع پیش داوری، و ضرورت استقلال و بی طرفی مرجع رسیدگی، در این پرونده ها اهمیت دوچندان دارد. هرگاه محرمانگی امنیتی به گونه ای اعمال شود که حقوق دفاع را به صورت گسترده محدود کند، خطر خطای قضایی افزایش می یابد و این خطاها در پرونده های امنیتی اثرات اجتماعی سنگین تری برجای می گذارد. بنابراین طراحی سازوکارهایی برای حفظ اسرار واقعی در عین تضمین حق دفاع، یک ضرورت سیاست جنایی است.

۴- پراکندگی قوانین و تعدد مراجع و پیامدهای آن

یکی دیگر از چالش ها، پراکندگی مقررات مرتبط با امنیت ملی در قوانین متعدد است. بخشی از مقررات در قانون مجازات اسلامی و بخش دیگری در قوانین خاص مانند قانون جرایم رایانه ای، قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، مقررات مربوط به اخلال در نظام اقتصادی و دیگر قوانین پراکنده آمده است. این پراکندگی، هم فهم نظام مند را دشوار می کند و هم امکان همپوشانی یا تعارض را افزایش می دهد. نتیجه می تواند ناهمگونی در اجرا و افزایش عدم قطعیت حقوقی باشد. یک راهکار، تدوین سیاست تقنینی منسجم و ارائه تعاریف هماهنگ و طبقه بندی شده از تهدیدهای امنیت ملی و جرایم مرتبط است.



۵- پیشنهادهای اصلاحی و راهبردهای بهبود سیاست کیفری امنیت ملی

نخستین پیشنهاد، بازنگری در برخی عناوین کلی و افزودن معیارهای عینی است. تعریف دقیق تر عنصر مادی، ذکر مصادیق روشن، و تعیین شاخص های ارزیابی خطر برای امنیت ملی، می تواند از تفسیر موسع جلوگیری کند. همچنین تاکید بر وجود خطر واقعی یا قریب الوقوع و نه صرف احتمال ذهنی، با اصول حقوق کیفری سازگارتر است. این شفاف سازی، هم به شهروندان امکان می دهد حدود رفتار قانونی را بهتر بفهمند و هم به قضات و ضابطان کمک می کند تصمیم های یکنواخت تر و قابل دفاع تری اتخاذ کنند.

پیشنهاد دوم، تقویت تفکیک میان جرم امنیتی با جرم سیاسی و مطبوعاتی است. معیارهایی مانند خشونت، سازمان یافتگی، ارتباط موثر با دشمن خارجی، قصد براندازانه یا تخریب زیرساخت های حیاتی، و وجود طرح عملی برای برهم زدن امنیت، باید در امنیتی شدن رفتار نقش تعیین کننده داشته باشد. در مقابل، نقد سیاسی، فعالیت رسانه ای در چارچوب قانون، و کنش مدنی غیرخشونت آمیز باید در چارچوب قواعد متناسب با آزادی های بنیادین تحلیل شود. این تفکیک هم مانع از تورم پرونده های امنیتی می شود و هم مشروعیت عدالت کیفری را تقویت می کند.

پیشنهاد سوم، بازتنظیم نظام مجازات ها بر اساس درجه تهدید است. برای جرایم شدید مانند جاسوسی، خرابکاری و تروریسم، پاسخ کیفری شدید و قاطع توجیه پذیر است. اما برای رفتارهای کم خطرتر یا فاقد خشونت، استفاده از مجازات های جایگزین، تدابیر اصلاحی، یا پاسخ های اداری و مدنی می تواند هم کارآمدتر باشد و هم از آسیب های اجتماعی مجازات های سنگین جلوگیری کند. همچنین، طراحی مجازات های مکمل مرتبط با امنیت اطلاعات،



مانند منع دسترسی به سامانه های حساس یا الزام به آموزش های تخصصی در حوزه امنیت سایبری، می تواند رویکردی هدفمندتر ایجاد کند.

پیشنهاد چهارم، تقویت تضمین های دادرسی است. باید سازوکارهایی ایجاد شود که در عین حفظ اسرار واقعی، حق دفاع تضعیف نشود. امکان ارائه ادله به شکل طبقه بندی شده، نظارت قضایی دقیق بر اقدامات تفتیش و شنود، و استفاده از کارشناسان مستقل در حوزه های فنی مانند ادله دیجیتال، می تواند کیفیت دادرسی را افزایش دهد. همچنین آموزش تخصصی قضات، دادستان ها و ضابطان در حوزه جرایم سایبری و امنیت اطلاعات ضروری است تا تصمیم ها بر اساس فهم دقیق فنی اتخاذ شود.

پیشنهاد پنجم، حرکت به سمت انسجام تقنینی است. تدوین یک نقشه راه سیاست کیفری امنیت ملی که در آن مولفه ها، سطوح تهدید، و ابزارهای پاسخ از پیش طبقه بندی شود، می تواند از پراکندگی و تکرار جلوگیری کند. در این نقشه راه باید نسبت حقوق کیفری با اقدامات پیشگیرانه، تنظیم گری اداری و سیاست های اجتماعی مشخص گردد. امنیت ملی صرفا با جرم انگاری تامین نمی شود؛ بلکه نیازمند ترکیب هوشمندانه پیشگیری، تاب آوری اجتماعی، شفافیت حکمرانی و اعتماد عمومی است.



نتیجه گیری

امنیت ملی در نظام حقوقی ایران مفهومی چندوجهی است که به مولفه های سرزمینی، حاکمیتی، سیاسی، دفاعی و اطلاعاتی، اجتماعی و انتظامی، اقتصادی و زیرساختی و نیز امنیت سایبری قابل تجزیه است. حقوق کیفری ایران برای حمایت از این مولفه ها مجموعه ای گسترده از جرم انگاری ها را پیش بینی کرده است؛ از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و جرایم مرتبط با جاسوسی و افشای اسرار گرفته تا عنوان های مربوط به اختلال اقتصادی و جرایم رایانه ای. این شبکه حمایتی در تامین بازدارندگی و ایجاد امکان واکنش قاطع نسبت به تهدیدهای شدید، ظرفیت های مهمی دارد. با این حال، یافته های تحلیل نشان می دهد که چالش های مهمی همچنان پابرجاست. ابهام و کششانی برخی مفاهیم، تداخل با حوزه جرایم سیاسی و مطبوعاتی، عدم طبقه بندی دقیق تهدیدها در نظام مجازات، دشواری های دادرسی و تضمین حقوق دفاع، و پراکندگی قوانین و همپوشانی مقررات، از مهم ترین چالش هاست. نتیجه آن می تواند کاهش پیش بینی پذیری، ناهمگونی در اجرا و افزایش نگرانی از تفسیر موسع باشد. بنابراین بهبود سیاست کیفری امنیت ملی مستلزم شفاف سازی مفاهیم، تفکیک روشن میان تهدید امنیتی و کنش سیاسی غیرخشونت آمیز، بازتنظیم مجازات ها بر مبنای تناسب و کارآمدی، تقویت دادرسی عادلانه و انسجام تقنینی است. در نهایت، امنیت ملی پایدار نه فقط محصول مجازات، بلکه حاصل ترکیب قانونمندی، اعتماد عمومی، کارآمدی حکمرانی و تاب آوری اجتماعی است.



منابع و مأخذ

۱. آشوری، محمد. حقوق جزای عمومی جلد اول. تهران: نشر میزان. چاپ های متعدد.
۲. آشوری، محمد. آیین دادرسی کیفری جلد اول و دوم. تهران: نشر میزان. چاپ های متعدد.
۳. اردبیلی، محمدعلی. حقوق جزای عمومی جلد اول و دوم. تهران: نشر میزان. چاپ های متعدد.
۴. گلدوزیان، ایرج. بایسته های حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات سمت. چاپ های متعدد.
۵. میرمحمد صادقی، حسین. جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. تهران: نشر میزان. چاپ های متعدد.
۶. صابری، محمود. حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. تهران: انتشارات دادگستر. چاپ های متعدد.
۷. ولیدی، محمدصادق. حقوق جزای اختصاصی جلد مربوط به جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. تهران: نشر میزان. چاپ های متعدد.
۸. باقری، علی. امنیت ملی و حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات مجد. چاپ های متعدد.
۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات ۱۳۶۸.
۱۰. قانون مجازات اسلامی. مصوب ۱۳۹۲.
۱۱. قانون آیین دادرسی کیفری. مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی.
۱۲. قانون جرایم رایانه ای. مصوب ۱۳۸۸.



۱۳. قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح. مصوب ۱۳۸۲.
۱۴. قانون مطبوعات. مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات بعدی.
۱۵. قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور. مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات بعدی.
۱۶. قانون مبارزه با پولشویی. مصوب ۱۳۸۶ با اصلاحات بعدی.
۱۷. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات. مصوب ۱۳۸۸.
۱۸. Baldwin, David A. *Economic Statecraft*. Princeton: Princeton University Press.
۱۹. Buzan, Barry. *People, States and Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era*. Boulder: Lynne Rienner Publishers.
۲۰. Buzan, Barry, Ole Wæver, and Jaap de Wilde. *Security: A New Framework for Analysis*. Boulder: Lynne Rienner Publishers.
۲۱. Heywood, Andrew. *Politics*. London: Palgrave Macmillan.
۲۲. Kelsen, Hans. *Pure Theory of Law*. Berkeley: University of California Press.
۲۳. Raz, Joseph. *The Authority of Law: Essays on Law and Morality*. Oxford: Oxford University Press.
۲۴. United Nations. *International Covenant on Civil and Political Rights*. Adopted ۱۹۶۶.
۲۵. United Nations, Economic and Social Council. *Siracusa Principles on the Limitation and Derogation Provisions in the International Covenant on Civil and Political Rights*. ۱۹۸۴.
۲۶. Schmitt, Carl. *Political Theology: Four Chapters on the Concept of Sovereignty*. Chicago: University of Chicago Press.
۲۷. Denning, Dorothy E. *Information Warfare and Security*. Boston: Addison-Wesley.



۲۸. Goodman, Marc. *Future Crimes: Everything Is Connected, Everyone Is Vulnerable and What We Can Do About It*. New York: Doubleday.
۲۹. Westby, Jody R. *Cybersecurity: Protecting Critical Infrastructures from Cyber Attack and Cyber Warfare*. Hoboken: Wiley.